

تاریخچه کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران

رکن‌الدین همایونفرخ

مدیرعامل کتابخانه‌های عمومی شهرداری تهران

از آنجا که کتاب و کتابخانه شناسنامه دانش و اندیشه و تمدن ملت‌ها شناخته می‌شود، و ایران گرامی میهن ما و مردم فرهنگ‌پرور و هردوست آن در بوجود آوردن کتاب و کتابخانه تر پیشروترین ملت‌ها بوده‌اند، اینک در این باره اطلاعاتی بسیار فشرده و مختصر به عرض خوانندگان ارجمند می‌رسد.

برای آگاهی از سرگذشت کتاب و کتابخانه در ایران از قدیم‌ترین دوران باید نخست سخن از پیدایش خط وسیله ثبت و ضبط اندیشه و فکر به میان آورد. گرچه توضیح و تحقیق درباره پیدایش خط در ایران مستلزم بحثی مفصل است و اگر در آن بخوض و بررسی بپردازیم رساله‌ای کامل را شامل است لیکن ناگزیر باید برای آغاز سخن و ورود به مطلب مورد طرح شمه‌ای بآن اشارت رود.

بنا به تحقیق دانشمندان رشته خط‌شناسی نخستین خطی که در ایران باستان سابقه تاریخی دارد خط «دین دبیره» است (۱) که تاریخ اختراع آن را به دو هزار سال قبل از میلاد مسیح که چهار هزار سال قبل از این تاریخ باشد تخمین زده‌اند (۲).

با اکتشافات باستان‌شناسی و بدست آمدن مهره‌های مخطوط و مطالعاتی که از طرف دانشمندان به عمل آمده است باید در این مطلب تجدید نظر کرد. مسلم است هنوز تاریخ تحقیقی و مستند ایران باستان مراحل نخستین را طی می‌کند و بنابر این نمی‌توان درباره اینگونه مسایل و مطالب اظهار نظر قطعی کرد.

پیدایش خط حرفی را خط‌شناسان در حدود سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح در بین‌النهرین دانسته‌اند و نظرشان این است که سومری‌ها و بابلی‌ها مخترع خط بوده‌اند. بدیهی است خطوط علایمی و نشانه‌ای و نقشی (هیروگلیف و خطوط مشابه آن) قدمتشان به بیش از این تاریخ می‌رسد.

می‌دانیم که سنگ نوشته‌های دوران هخامنشی با خطوط میخی نوشته شده است. خط‌شناسان اختراع خط میخی را از سومری‌ها و بابلی‌ها دانسته‌اند. در سال‌های اخیر در اثر کاوش‌های تپه مارلیک و بدست آمدن مهره‌های مخطوط این نظر را که ایرانی‌ها خط میخی را از سومری‌ها و بابلی‌ها اخذ کرده باشند متزلزل کرده است.

مهره‌های بدست آمده از تپه مارلیک جمعاً یازده مهره‌اند که منقوش و مخطوطند و ارزش علمی آنها به مراتب بیش از جام‌های زرین و سیمین و زیورآلات دیگری است که کشف شده است. مهره‌های استوانه‌ای در ایران باستان بجای مهر بکار می‌رفته و اکثراً دارای خطوط و یا علایم و نقش‌هایی هستند (۳) و این نقش و نگارها بیشتر نشانه‌ها و یا شعارهای مذهبی هستند. این مهره‌ها از نظر روشن کردن بسیاری از مسایل مهم و مکتوم تاریخ نقش برجسته و مهمی را ایفا می‌کنند. دکتر فرانکفورت تحقیقات ارزنده و بسیار سودمند و قابل توجهی درباره مهره‌های استوانه‌ای انجام داده که در کتابی به نام «مهره‌های استوانه‌ای» مدون گردیده و مورد استفاده و استناد اهل فن است.

بر طبق نظر دانشمندان خط‌شناسی، پیدایش خط نخست از علایم و نقوش آغاز گردیده و مهره‌های استوانه‌ای و غیر استوانه‌ای را با نقر و حکاکی نقوش و علایم برای مهر کردن سر کوزه‌ها و خمرها و سبدهای اجناس و یا لوازم و دارایی خود به منظور معرفی و حفظ مالکیت بکار می‌برده‌اند و به مرور زمان و گذشت دوران این علایم و نقوش مختصر شده و علایم بجای حروف بکار رفته است. از یازده مهره استوانه‌ای که در تپه مارلیک بدست آمده است خوشبختانه یکی از آنها با خطوط میخی شکل منقور است و آقای پرفسور کامرون استاد خطوط باستانی خاورمیانه در دانشگاه میشیگان امریکا آنرا مورد تحقیق و مطالعه قرار داده و امید است بزودی نتایج مطالعات ایشان در دسترس پژوهندگان دانش قرار گیرد.

بنا به اظهار نظر این دانشمند خط‌شناس خطوط منقور در این استوانه نمی‌تواند از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح جدیدتر باشد و خطوط آن از نوع خطوط علایمی و نقشی است که قبل از پیدایش خط میخی بکار می‌رفته و پس از گذشت چند قرن خط میخی از روی اینگونه خطوط بوجود آمده است.

با در دست داشتن این خط و قدمت اشیا بدست آمده از تپه مارلیک می‌توان نظر داد که معقول نیست ایرانی‌ها با در دست داشتن خط علایمی و نقشی از نوع خط میخی، خط میخی خود را از ملت‌های دیگر اخذ و اقتباس کرده باشند. ملت متمدنی که آن چنان آثار زیبا و هنری بوجود می‌آورده و توانسته بوده است برای بیان مطالب خود خط علایمی و نشانه‌ای را اختراع کند، چه نیازی داشته است که خط حرفی (الفبایی) را از ملت دیگری اخذ و اقتباس کند؟ آیا این نظر معقول‌تر نیست که ایرانی‌ها با در دست داشتن خط نقشی و علایمی آنرا به مرور ساده و تکمیل کرده و به صورت خط حرفی و الفبایی بکار برده باشند؟

آنچه مسلم است پیدایش خط در ایران فعلاً تا دو هزار سال قبل از میلاد مسیح محرز است بدیهی است می‌توان تصور کرد از آنگاه که ایرانی‌ها توانسته‌اند بنویسند توان پذیرفت که به ثبت افکار و تجربه‌های خود نیز پرداخته باشند.

درباره خطوط رایج در ایران پیش از حمله عرب آنچنانکه شایسته و بایسته است هنوز تحقیقات و تتبعات کامل و جامع به عمل نیامده و فعلاً تنها ماخذ اطلاعات ما محدود است بآنچه را که مورخان و محققان عرب در صدر اسلام و یا مورخان قدیم یونان از خود بجای گذاشته‌اند.

ابن ندیم در الفهرست به نقل از روزبه فارسی (ابن مقفع) می‌نویسد که: ایرانی‌ها هفت نوع خط داشته‌اند

- ۱- دین دبیریه که اوستا را بآن می‌نوشته‌اند
- ۲- ویش دبیریه که با آن اصوات و آهنگ‌ها و اشارات و علایم قیافه و تعبیر خواب را ثبت می‌کرده‌اند
- ۳- گشتک دبیریه (۴) که با آن عهدنامه‌ها و اقطاع و نام‌ها و رموز را بر انگشتری‌ها و بر سکه‌ها می‌نوشته‌اند.
- ۴- پاره گشتک یا نیم گشتک که ماخوذ از خط گشتک بوده و ۲۸ حرف داشته و طب و فلسفه را به آن می‌نوشته‌اند (۵)
- ۵- شاه دبیریه که اختصاص به پادشاهان و خاندان شاهنشاهی داشته است.
- ۶- راز سهریه که پادشاهان نامه‌هایی را که برای پادشاهان ملل دیگر می‌نوشته‌اند با این خط بوده است.
- ۷- راس (۶) سهریه. این خط نقطه‌دار بوده و برای بیان مطالب منطقی و فلسفی بکار می‌رفته و ۲۴ حرف داشته است.

جز این هفت خط دو خط دیگر هم داشته‌اند با این شرح:

- ۸- هزارش که خط هجایی بوده است و ابن ندیم به نقل از روز به فارسی دو هزار هزارش بوده که برای جدا کردن متشابهات از یکدیگر به کار می‌رفته است.
- ۹- خط فیرآموز (پیرآموز) ابن ندیم درباره خطوطی که مصاحف را بدان می‌نوشتند می‌نویسد: (فیرآموز که ایرانیان آن را استخراج کرده و بدان خوانند) قرآن را با آن خط که خود آن را استخراج کرده‌اند می‌نویسند و می‌خوانند. پیرآموز را سهل و آسان معنی کرده‌اند (۷) لیکن نویسنده را در این مورد نظر دیگری است که به جای خود متذکر آن خواهد شد.

بجاست یادآور این نکته شود که خط دبیریه از کاملترین خطوطی است که تا امروز بشر بااختراع آن گردیده است. در این خط هر حرف نماینده یک صداست و خط شناسان و دانشمندان زبان‌شناسی آن را از بهترین و کاملترین خطوط الفبایی جهان دانسته‌اند و این خود از افتخارات درخشان فرهنگ کهن ایران باستان است.

- ۱۰- خط مانوی که درباره آن در جای خود سخن خواهیم گفت.
- ۱۱- خط پارتی (اشکانی) که با خط پهلوی ساسانی اختلاف داشته است.

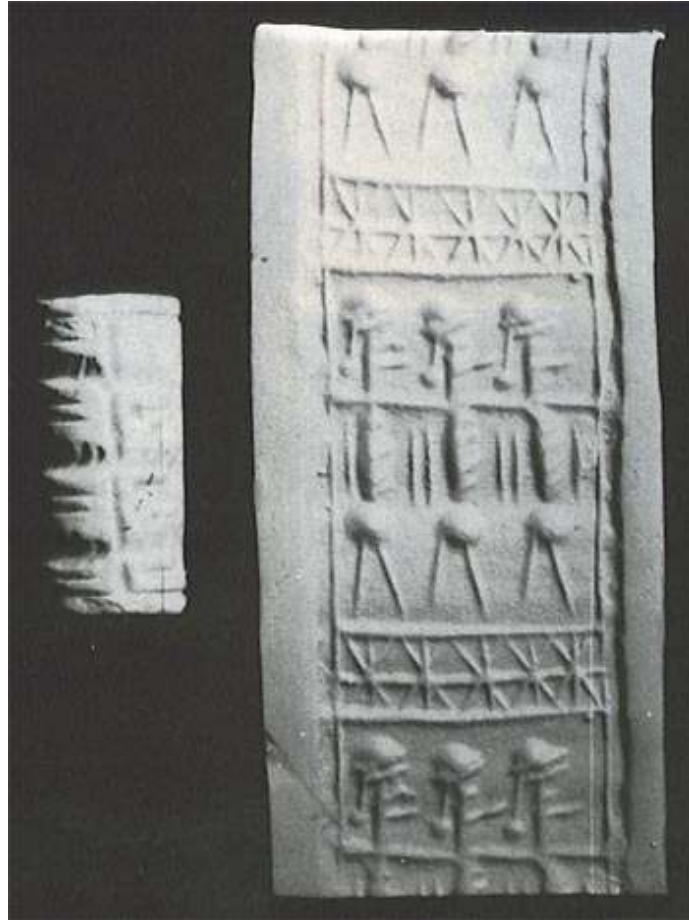


نقش مهر استوانه ای که در روی خمیر مخصوص منعکس گردیده و در آن شکارگاهی نموده شده است: حروف مقطع از نوع میخی علانی در روی آن دیده میشود.

با شرحی که به طور اختصار گذشت ایرانیان در چهار هزار سال قبل از این با خط الفبایی آشنایی داشته‌اند و افکار و عقاید و نظرات و تجربیات و دانستنی‌های خود را ثبت می‌کرده‌اند و چون برای هر فن و دانشی خطی بکار می‌برده‌اند پس مسلم و محقق است که در دانشهای گوناگون صاحب‌نظر و اطلاع و تجربه بوده‌اند. زیرا اگر دانشی نبود نیاز به اختراع خط مخصوصی برای ثبت آن دانش به میان نمی‌آمد بنابر این ایرانیان از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح یعنی چهار هزار سال پیش از این با فلسفه - منطق - طب و موسیقی آشنایی کامل داشته‌اند و باید گفت ملت ایران نخستین ملتی است که برای ثبت و ضبط اصوات و آهنگ‌های موسیقی و حتی ضبط نوای آبشار و نغمه پرندگان و آوای درندگان با خط مخصوصی قادر به نوشتن و ثبت آن بوده است و آن را ویش دبیریه می‌نامیده‌اند که به جای **نوت موسیقی امروزی** بکار می‌برده‌اند.

اینک ببینیم این خطوط را بر چه چیزی می‌نوشته‌اند؟ ایرانیان در دوران هخامنشی نوشته‌های خود را بر سنگ‌ها نقر و یا بر لوح‌های گلی می‌نوشته‌اند و سپس این لوح‌ها را مانند آجر می‌پخته‌اند تا در برابر رطوبت استقامت بیشتری داشته باشد. و گاه مطالب گرانقدر و

ارزنده را بر لوح‌های زرین و سیمین نقره می‌کردند. هم اکنون گذشته از سنگ نیشته‌های موجود در کوه‌های فارس - کرمانشاه - آذربایجان و لوح‌های سنگی دیگری که به دست آمده است از لوح‌های زرین و سیمین متعلق به دوران هخامنشی و اشکانی و ساسانی در موزه ایران باستان و موزه‌های جهان نمونه‌هایی در دست است. مانند لوح‌های زرین و سیمینی که از زیربنای تخت جمشید به دست آمده و لوح زرینی که به نام اریارامنه است (۸) لوح‌های زر به نام داریوش دوم (۹) لوح زر که به نام آرشام است (۱۰) سه ستون سنگی که بر آن نوشته‌ای به نام اردشیر دوم نقر می‌باشد (۱۱) لوح‌های گلی بسیاری که از کاخ آپادانا و همچنین محل کارخانه دخانیات تهران به دست آمد و این ندیم نیز متذکر شده است که ایرانیها نوشته‌های خود را بر لوح‌های گلی هم می‌نوشتند.



نقش مهر استوانه‌ای دیگر که بر روی خمیر مخصوص منعکس گردیده و خط اعلامی از نوع میخی در روی آن کاملاً دیده میشود. این مهره‌های استوانه‌ای از کاوش‌های تپه مارلیک بدست آمده است.

ایرانیان پیش از اینکه از توز (پوست درخت خدنگ) برای نوشتن استفاده کنند نوشته‌های خود را بر پوست دباغی شده گاو می‌نوشتند. این سنت به قبل از آیین زرتشت می‌رسد و از یادگارهای آیین مهری است. چون گاو در آیین مهرپرستی مقدس بود. نوشته‌های آیین مهری را بر پوست گاو می‌نوشتند و این سنت در آیین زرتشت مانند بسیاری دیگر از معتقدات آیین مهری رسوخ کرد. بطوریکه اوستا را بر پوست گاو می‌نوشتند. چنانکه می‌دانیم در دوران ساسانیان اوستای جمع‌آوری شده بر روی ۱۲۰۰۰ رقعہ پوست گاو نوشته شده بود. و به طوری که در صفحات آینده به تفصیل خواهد آمد. کتابهای بدست آمده از **سارویه** بیشتر بر پوست گاو بوده است.

چون پوست گاو دباغی شده در مکان‌های مرطوب متعفن می‌گردید و گندزا می‌شد ایرانی‌ها موفق شدند کاغذی از پوست درخت خدنگ که هم نرم بود و هم مقاومت بسیار داشت کاغذی از پوست درخت خدنگ که هم نرم بود و هم مقاومت بسیار داشت بسازند و آنرا **توز** می‌نامیدند.

جهشیاری در کتاب الوزراء و الکتاب می‌نویسد: ایرانی‌ها فخر می‌کردند که نوشته‌های خود را بر چیزی می‌نویند که در کشور خودشان بدست می‌آید.

کتزیاس پزشک اردشیر دوم ساسانی که از ۴۰۱ - ۳۹۸ پیش از میلاد در دربار این پادشاه بوده است و کتاب پرسیکا را درباره ایران و سفر خود نوشته است متذکر است که کتابش را از روی دفترهای پوستی کتابخانه شاهی اردشیر استنساخ کرده بوده است. (۱۲)

طبق اطلاعاتی که این ندیم بدست می‌دهد در کاخ آپادانا بر روی چوب‌ها و سنگ‌های کاخ نوشته‌هایی بوده است که اسکندر کجستک آنها را خراب و ویران کرده و سوزانید.

با طرح مطالب یادشده باین نتیجه می‌رسیم که ایرانیان نخست بر روی سنگ و سپس لوح‌های گلی و سیمین و زرین ورقه‌های پوست گاو و گاو میش و بز و سرانجام بر پوست درخت خدنگ افکار و آثار خود را ثبت می‌کرده‌اند.

ساخت کاغذ در ایران نیز سابقه کهن دارد و ایرانیان این صنعت را از دیرباز از چینیان آموخته بوده‌اند.

این‌ندیم می‌نویسد کاغذ خراسانی از کتان بدست می‌آید و کارگران چینی آنرا در خراسان همانند کاغذ چینی می‌ساختند و انواع آن - طلحي - نوحی - فرعونی - جعفری و طاهری است.

نام‌هایی را که این‌ندیم یاد می‌کند نام‌هایی است که عرب‌ها به انواع کاغذ خراسانی داده بوده‌اند و بدیهی است در ایران باستان کاغذهای سفید سمرقند بنام‌های دیگری نامیده می‌شده است.

منظور این‌ندیم از خراسان سمرقند است زیرا عرب‌ها در سال ۸۷ هجری کارخانه‌های کاغذسازی آن به شگفتی افتادند و از آن زمان است که مسلمانان با کاغذ آشنا شدند و بعدها از طریق کشورهای اسلامی کاغذ در سایر کشورها متداول و معمول گردید. (۱۳)

کاغذ سمرقندی و ترمه ایران در میان انواع کاغذ قرن‌ها شهرت و معروفیت بسزا داشته و به مراتب از کاغذ خانبالغ چین مرغوب‌تر و لطیف‌تر بوده است.

در قابوسنامه از کاغذ منصور یاد شده است و عبدالواسع جبلی و انوری شاعران نامی هم از کاغذ سفیدی یاد کرده‌اند. سفید به ناحیتی گفته می‌شد که سمرقند در دیگر شهرهای ماوراءالنهر هم کاغذ می‌ساخته‌اند.

گروهی معتقدند که مانوی‌های ایرانی در بوجود آوردن کارخانه‌های کاغذسازی در سفید پیشگام بوده‌اند و روابط آنها و ایجاد کارخانه‌های کاغذسازی در ایران موثر بوده است. لیکن با بدست آمدن سنگ‌گور چند تن از شاهزادگان اشکانی در چین و روابط نزدیک پارت‌ها با کشور چین می‌توان تصور کرد که رواج کاغذ در ایران در دوران اشکانیان امکان‌پذیر بوده است.

کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام

برای اطلاع از چگونگی کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام ناچاریم باخبر و اطلاعات و گزارش‌های معدود و محدود و مختلفی که ضمن آثار مورخان و نویسندگان عرب و یونان بجا مانده است توجه کنیم و از آنها نتایجی را استنباط و استدرک کنیم.

وسیله محمدبن اسحق‌ندیم مولف الفهرست از نویسندگان و محققان ایرانی اطلاعاتی درباره کتابخانه‌های ایران بدست ما رسیده که هر چند ناقص است ولی می‌تواند برای بحث ما بسیار سومند باشد.

این‌ندیم به نقل از کتاب نهمطانی‌فی معرفه طالع الانسان تالیف ابوسهل‌بن نوبخت ایرانی (۱۴) می‌نویسد:

کی ضحاک در زمین‌های سواد شهری بنا کرد (۱۵) و نام آن را از مشتری در آورد و آنرا جایگاه علم و علما قرار داد و دوازده کاخ به شماره برج‌های آسمانی نامید و برای کتاب‌های علمی در آنها خزینه‌هایی ساخت و دانشمندان را در آن کاخ‌ها جای داد... اسکندر پادشاه یونان برای هجوم به ایران از شهری که رومیان آن را مقدونیه می‌نامند بیرون شد و دارا پسر شاه دارا را به قتل رسانید و شهرها را ویران ساخت و کاخ‌هایی که بدست بزرگان و سرکشان ساخته شده بود خراب کرد. کاخ‌هایی که بر سنگ‌ها و تخته‌های آن انواع علوم نقش و نقر شده بود با خاک یکسان کرد و با این خرابکاری‌ها و آتش‌سوزی‌ها آنها را بهم ریخت و در هم کوبید و از آنچه در دیوان‌ها و خزینه‌های استخر بود رونوشتی برداشته و به زبان رومی و قبطی برگردانید و پس از اینکه از نسخه‌برداری‌های مورد نیازش فراغت یافت آنچه به خط گشتک در آنجا بود در آتش انداخت و بسوخت. آنچه را از علوم نجوم و طب و علم‌النفس می‌خواست از آنها برگرفت و با دیگر چیزها از علوم و اموال و گنجینه‌ها و دانشمندان تصاحب کرده و به مصر فرستاد (۱۶).

از آثار ایرانیان تنها آنهایی باقی ماند که پادشاهان گذشته به دستور پیامبرشان زرتشت و جاماسب حکیم پیش از آن نسخه‌برداری کرده و به منظور مصون ماندن از هجوم گجستک که زرتشت از کردار و رفتار ناهنجار او آگهی داده بود به چین و هند فرستاده بودند.

اطلاعات دیگری که از کتابخانه‌های ایران قبل از هجوم اسکندر داریم آنست که ابومشعر بلخی ایرانی در کتاب *اختلاف الزیجات* خود به مناسبتی آورده و این‌ندیم عیناً از کتاب او بدین شرح نقل کرده است:

« پادشاهان ایران برای نگاهداری و حفظ و صیانت دانش‌ها و بجای ماندن آنها اهمی فوق‌العاده مبذول می‌داشتند؛ آنها برای محفوظ ماندن کتاب‌ها و آثار دانشمندان از آسیب زامته و آفات آسمانی و زمینی وسیله‌ای از سخت‌ترین محکم‌ترین اسباب و لوازم برگزیدند که تاب مقاومت در برابر هر گونه پیش‌آمدهی را داشته باشد و عفونت و پوسیدگی در آن راه نیابد و آن پوست درخت خدنگ بود که بآن *توز* می‌گفتند. چنانکه هندیان و چینیان و مردم دیگر کشورها از ایشان پیروی کردند و *توز* برای محکمی و سختی و نرمی و قابلیت انعطاف در کمانسازی هم بکار برده می‌شد.

ایرانی‌ها پس از اینکه بهترین وسیله را برای ثبت و ضبط و نوشتن و نگاهداری دانش‌ها بدست آوردند برای یافتن بهترین جا و مکان جهت بنیاد کتابخانه‌ها و خزانه کتاب به جستجو پرداختند جایی که از زمین لرزه برکنار و گلش چسبندگی داشته باشد تا برای ساختمان‌های محکم و پایرجا مناسب باشد. پس از کنجکاوای بسیار سرانجام شهرستانی که همه این محسنات را داشت یافتند و آن شهر اصفهان بود. در آنجا هم پس از کاوش نقاط مختلف شهر روستای جی را بهترین جا و مکان یافتند. در جی کهن‌دژ را برگزیدند و در آنجا عمارتی رفیع بنیاد نهادند و سارویه‌اش نامیدند.

مردم از پی بنا بسازنده و پایه‌گذار آن پی بردند (۱۷) زیرا در سال‌های گذشته گوشه‌ای از ساختمان سارویه ویران گردید و در آن سگی (دالانی) نمایان شد که با گل سفت (ساروج) ساخته شده بود و در آن کتاب‌های زیادی از نوشته پیشینیان نهاده بودند که بر پوست خدنگ نوشته بودند: در دانش‌های گونه‌گون به خط پارسی باستانی.

از این کتاب‌ها تعدادی به دست کسی رسید که در خواندن آنها دانا و توانا بود. در آنها نوشته‌ای از برخی شاهان ایران یافت که چنین بود: «به تهمورث شاه که دوستدار دانش و دانش‌پژوهان بود خبر دادند که در اثر یک حادثه آسمانی که در مغرب به ظهور خواهد پیوست به علت ریزش باران‌های پی‌در پی جهان را آب فرا خواهد گرفت. زمان وقوع آن با گذشتن دویست و سی و یکسال و سیصد روز از آغاز پادشاهی وی خواهد بود.

منجمان تهمورث شاه را بر آن داشتند که برای پرهیز از زیان و خسران آن توفان چاره‌ای اندیشد و گفتند زیان و خسرا آن باران و توفان تا انتهای مشرق کشیده خواهد شد. تهمورث شاه مهندسان و کارآگاهان را فرمان داد در سراسر ایران شهر کاوش کنند و جویا شوند تا جایی را که از همه جهت برتری داشته باشد برای ساختمان بنایی به منظور حفظ آثار دانش برگزیدگان.

آنها پس از جستجو جی را در اصفهان برگزیدند و سارویه تا آنچه از کتاب‌های علوم مختلف که بر پوست خدنگ نوشته شده بود در خزاین سارویه جا دادند تا پس از برطرف شدن توفان دانش‌های کهن برای مردم جهان بجای بماند.

در میان کتاب‌های آن کتابخانه کتابی اثر یکی از دانشمندان باستانی ایران بود در علم ادوارسنین (۱۸) که برای استخراج سیر ستارگان و علل حرکتشان بکار می‌رفت. مردم دوره تهمورث شاه و پارسیان پیش از آن، آن را ادورا هزارات می‌خوانند و بسیاری از دانشمندان هند و کلدانیان قدیم که نخستین سکنه حومه بابل بودند گردش سیارات هفتگانه را از آن استخراج می‌کردند و این زیج را از میان دیگر زیج‌های آن زمان برتری می‌دادند زیرا از همه صحیح‌تر و مختصرتر بود و منجمان آن زمان زیجی از آن استخراج کردند و آن را زیج شهریاری یعنی پادشاه زیج‌ها نامیدند».

ابن ندیم خود می‌گوید: «یکی از اشخاص ثقه به من خبر داد که در سال ۳۵۰ هجری سارویه جی دالانی خراب گردید که جایش معلوم نشد زیرا از بلند بودن سطح آن گمان می‌کردند که درون آن خالی نبوده و پر است تا زمانی که آن خود به خود فرو ریخت و در آن کتاب‌های زیادی به دست آمد که هیچ کس نمی‌توانست آنها را بخواند و آنچه من با چشم خود دیدم و *ابوالفضل عمید* آنها را در سال سیصد و چهل و اندی فرستاده بود کتاب‌هایی بودند پاره پاره که از باروی اصفهان میان صندوق‌هایی بدست آمده و به زبان یونانی بود کسانی که آن زبان را می‌دانستند مانند یوحنا و دیگران آن را ترجمه کردند و آشکار شد که نام سربازان و جیره آنان است و آن کتابها چنان گندزا بودند که گویی تازه از دباغی درآمده‌اند ولی پس از آنکه یکسال در بغداد ماندند خشک شدند و تغییر کردند و عفونتشان برطرف شد و پاره‌ای از آنها نزد شیخ ابوسلیمان موجود است. گویند سارویه یکی از بناهای محکم باستانی است که ساختمان معجزه‌آسایی دارد و در مشرق چون اهرام مصر در مغرب از نظر عظمت و اعجاب است».

بن مایه‌ها:

(۱) ابن ندیم آن را دین دبیریه ثبت کرده و نه دین دبیریه و این املا صحیح است زیرا اصل آن «دین دبیریه» است یعنی خط دینی. جز نخست آن دین به معنی آیین است و تازیان به همین معنی آن را از ایرانیان گرفته‌اند قسمت دوم که (دبی وریه) یعنی خط و (ور) از ادات فاعلی و (یه) که همان (ی) مصدری فارسی است با های ساکن (سبک شناسی استاد بهار ج ۱ ص ۸۱).

(۲) خرده اوستا استاد پورداود

(۳) نویسنده تعداد زیادی از این مهره‌ها را در اختیار دارد که متعلق به دوران قبل از ماد و هخامنشی و اشکانی و ساسانی است.

(۴) گشتج که همان گشتگ باشد و معنی آن بازگونه شده است و چنین به نظر میرسد که این خط را از خط دیگری که علایم و حروف آن را تغییر داده و مختصر کرده بوده اند استخراج شده بوده است و به همین جهت نام آن را (تغییر یافته) گذاشته بوده اند. بنوشته ابن ندیم این خط ۲۴ حرف داشته است.

(۵) نویسنده انگشترهایی از عقیق و سیلان دارد متعلق به دوران هخامنشی و ساسانی که تصور می‌رود خطوط آن گشتگ دبیریه باشد.

(۶) راز سهریه و راس سهریه بر طبق ثبت نسخه‌های الفهرست است تصور می‌رود یا ابن ندیم آنرا صحیح ثبت نکرده و یا نسخ الفهرست آن را تحریف کرده باشند.

(۷) فرهنگ فارسی استاد دکتر محمد معین و المعجم فی معانی اشعار العجم شمس قیس تصحیح استاد مدرس رضوی ص ۴۸۶.

(۸) کتاب هنگمتانه تالیف آقای مصطفوی

(۹) دو لوح در موزه ایران باستان و یک لوح متعلق به مارسل ویدال

(۱۰) مجموعه مارسل ویدال

(۱۱) متعلق به یک مجموعه شخصی در انگلستان

(۱۲) یسنا استاد پورداود ص ۸۱ - ۱۱۰

(۱۳) ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی به قلم کورکیس عواد ترجمه اقبال آشتیانی مجله یادگار ج ۴ شماره ۹ ؛ ص ۹۵ - ۱۲۸

(۱۴) فضل بن ابوسهل نویخت از منجمان عالیقدر ایرانی که در دارالحکمه بکار ترجمه کتابها از فارسی به عربی اشتغال داشته است و در ۱۹۳ هجری در گذشته است. به نظر می رسد که نهمطان تحریف شده نوآمدان فارسی باشد. چون سهل بن نویخت با خط پهلوی آشنایی داشته باید پذیرفت که نوشته های او دربار هجوم اسکندر به ایران مبتنی بر نوشته های دوران ساسانی بوده است.

(۱۵) خوزستان امروز

(۱۶) مقاله هفتم الفهرست

(۱۷) از این گفته ابومعشر بلخی چنین برمی آید که در بنای سارویه جی هم مانند کاخ آپادانا در زیر پی بنا لوح هایی دفن کرده بوده اند که علت ساختمان و تاریخ بنای آن را در آن نوشته بوده اند.

(۱۸) ادوارسنین یا علم ادوار. دوره ایست که احکامیان و منجمان برای هر ستاره از بدو خلقت تا به امروز قائل شده اند و آن را به فارسی هزارات گویند. لغت نامه دهخدا.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>